### حکم اجتهاد لغیره

ابتدائا و بالذات اجتهاد لغیره متصف به حکم استحباب است، لکن می‌تواند در حالاتی، واجب کفائی باشد و وجوب کفائی اجتهاد لغیره مستفاد از ادله‌ای است از جمله:

#### دلیل اول : مقدمه واجب بودن اجتهاد

 ادله‌ای دلالت بر وجوب ارشاد و هدایت می‌کنند و در برخی حالات اجتهاد و استنباط فعلی مقدمه ارشاد و هدایت است؛ پس اجتهاد از باب مقدمه واجب، وجوب می‌یابد.

البته ادله وجوب ارشاد و هدایت دو گونه هستند؛ در برخی از ادله علم شرط وجوب حکم است و در برخی ادله مطلق بوده و وجوب ارشاد منوط به علم نیست و برای قیام به واجب (ارشاد و هدایت) نیاز به کسب علم است. بنابراین اجتهاد در احکام، عقائد و اخلاق از باب مقدمه واجب، واجب می‌شود.

این استدلال زمانی تمام است که ارشاد و هدایت متوقف بر اجتهاد باشد مانند مسائل مستحدثه. اما گاهی ارشاد و هدایت با تقلید نیز ممکن است و همیشه اینچنین نیست که هدایت و ارشاد متوقف بر اجتهاد باشد.

زمانی این مسأله منجز به وجوب اجتهاد می‌گردد که علم به مراجعه دیگران به شخصی که قصد اجتهاد دارد، وجود داشته باشد و چنانچه رجوع غیر به او معلوم نباشد(معلوم نباشد که پس از حصول ملکه اجتهاد و استخراج فعلی احکام، کسی به او مراجعه می‌کند یا نه) اصل موضوع مشکوک می‌شود، بنابراین حصول ملکه اجتهاد و به تبع آن استنباط فعلی از باب مقدمه ارشاد واجب نیست.

#### جمع بندی

استدلال بر قاعده ارشاد بر وجوب کفائی اجتهاد، منوط به این است که اولاً ارشاد متوقف بر اجتهاد باشد و ثانیاً دلیل و حجتی بر رجوع دیگران به کسی که قصد اجتهاد دارد، وجود داشته باشد.

#### دلیل دوم : تلازم بین وجوب تقلید با وجوب اجتهاد

مقدمات دلیل دوم بر وجوب کفائی اجتهاد لغیره:

1- تقلید، تخییراً یا تعییناً بر اشخاصی، واجب است. بنابراین در شرایطی رجوع الی الغیر تعیینی است، که یکی از اقسام هفت‌گانه سابق است و آن در جایی است که اجتهاد میسر نباشد و احتیاط را هم یا شارع نپسندد و یا ممکن نباشد.

2- وجوب تقلید و رجوع الی الغیر زمانی که متعین باشد این وجوب تقلید، عرفاً ملازم با وجوب افتاء است و استفتاء و افتاء تلازم دارند.

3- افتاء متوقف بر استنباط فعلی بوده و استنبط فعلی متوقف بر تحصیل ملکه اجتهاد است.

**اشکال اول** : ممکن است بر این استدلال اشکال شود که بین وجوب تقلید و وجوب افتاء ملازمه عقلی نیست و زمانی تقلید وجوب تعیینی می‌یابد که قدرت بر آن باشد.

**پاسخ :** گرچه بین این دو، ملازمه عقلی نیست، لکن بعید نیست تلازم عرفی بین لزوم تقلید و لزوم افتاء وجود داشته باشد.

**اشکال دوم:** ممکن است گفته شود با وجود برخی روایات (با این مضمون که شما موظف به سوال هستید ولی ما موظف به جواب نیستیم)[[1]](#footnote-1) ذیل آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْر»[[2]](#footnote-2) ملازمه عرفیه بین لزوم تقلید و لزوم افتاء منتفی است.

**پاسخ:**  ظاهراً این روایات مربوط به ائمه (ع) است و ممکن است عدم جواب به خاطر وجود مصالحی و یا نرسیدن زمان بیان حکم است و یا اینکه در جواب دادن، مفسده‌ای باشد.

**اشکال سوم:** ممکن است گفته شود چنانچه تقلید ابتدائی میت جایز باشد، دیگر بین وجوب تقلید و وجوب افتاء ملازمه ای نیست. در پاسخ به این اشکال گفته می‌شود اولاً: بنابر نظر مشهور، تقلید ابتدائی میت جایز نیست و ثانیاً در فرض جواز ابتدائی تقلید میت، در هر عصر مسائل مستحدثه‌ای وجود دارد که باید حکم آنها مشخص شود.

#### جمع بندی

این وجوب افتاء در جایی تمام است که اولاً تقلید وجوب تعیینی داشته باشد و ثانیاً شخص حجتی داشته باشد بر اینکه در صورت اجتهاد، دیگران به او رجوع می‌کنند.

1. . وسائل الشيعة / ج‏27 / 76 / 7 - باب وجوب الرجوع في جميع الأحكام إلى المعصومين ع /ص : 62 - ... فَقَدْ فُرِضَتْ‏ عَلَيْكُمُ‏ الْمَسْأَلَةُ وَ الرَّدُّ إِلَيْنَا وَ لَمْ يُفْرَضْ عَلَيْنَا الْجَوَابُ الْحَدِيثَ. [↑](#footnote-ref-1)
2. . النحل:43 [↑](#footnote-ref-2)